



جست‌وجوی ساده در میان سوابق بیمه‌ای
سرانجام پرونده گمشده‌ای را در بایگانی
نجف‌آباد پیدا کرد و امید بازنشستگی را به
پیرمردی نگران بازگرداند و آرامش بخشید

می‌گفت: «برو پیش همان خانم- یگو من فرستادم.»
شاید این اتفاق در نگاه اول فقط یک خاطره ساده کاری باشد؛
اتفاقی که ممکن است برای بسیاری از همکاران ما هم پیش
آمده باشد. اما برای من چیزی فراتر از یک تجربه اداری بود.
آنچه در ذهنم ماندگار شد، اشک‌های شوق آن پیرمرد و
همسرش بود؛ دعا‌های خیری که بدرقه راه من و خانواده‌ام شد
و لبخندی که پس از روزهای نگرانی روی صورتش نشست.
تصویری که هنوز هم هر وقت به آن فکر می‌کنم، احساس
می‌کنم تمام زحمت آن روز ارزشش را داشت.